

## استانداری فارس، نخستین تجربه‌ی مدیریتی دکتر مصدق و علت ناکامی آن

مسعود شفیعی سروستانی<sup>۱</sup>

### چکیده

ایالت فارس در دوره قاجار از مهم‌ترین ایالات کشور بود که معمولاً توسط یکی از شاخص‌ترین شاهزادگان با شیوه‌ای مستبدانه اداره می‌شد. استانداری دکتر مصدق در فارس به عنوان نخستین تجربه‌ی مدیریتی وی از جنبه‌های مختلف متمایز و استثنایی بود. پرسش مطرح در این پژوهش بررسی عملکرد و اصلاحات دکتر مصدق در دوران استانداری فارس و علت توقف و ناکامی آن با تکیه بر منابع و اسناد موجود با رویکردی توصیفی و تحلیلی است. دکتر مصدق با خواست بزرگان و نیروهای سیاسی فارس به استانداری رسید و در این دوران با رویکردی بدیع برخی اصلاحات اساسی را در زمینه‌ی برقراری امنیت، قانونگرایی، مبارزه با فساد و توجه به منافع عمومی اجرا کرد. موفقیت وی به زودی موجب رضایت و محبوبیت گسترده‌ای شد که تا آن زمان سابقه نداشت، در حالی که اصلاحات دکتر مصدق به زودی به ثمر نشست، برخی موانع موجب بن‌بست حرکت اصلاحی وی شد. وقوع کودتای ۱۲۹۹ش. و بازتاب آن در فارس، مهم‌ترین عامل و مانع تداوم حرکت اصلاحی دکتر مصدق بود.

**کلیدواژه‌ها:** ایل خمسه، پلیس جنوب، دکتر مصدق، صولت الدوله، قشقایی، قوام الملک.

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه

ایالت پهناور فارس در عهد قاجار دارای موقعیت حساس سیاسی، نظامی و اقتصادی بود. وسعت و اهمیت این ایالت به حدی بود که معمولاً در متون تاریخی و جغرافیایی آن دوره «مملکت فارس» و حکمران آن را « فرمانفرما » خوانده‌اند. نقش پراهمیت فارس در مناسبات داخلی و خارجی به ویژه اتصال آن با بنادر خلیج فارس، دسترسی به راه‌های مهم تجاری و نقش آفرینی در مبادلات داخلی و خارجی جایگاه خاصی را به این ایالت بخشید.

همچنین ایالت فارس با توجه به ساختار اجتماعی متنوع شهری، ایلی و روستایی نقشی پراهمیت و تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر داشته است. در این میان رقابت دو اتحادیه ایلی قشقایی و خمسه بیش از یک سده همواره بر روند تحولات تاریخ معاصر فارس سایه افکنده است. از سوی دیگر دسترسی ایالت فارس به راه‌های تجاری خشکی و دریایی، اهمیت این بخش از کشور را افزوده و زمینه‌ی نفوذ و دخالت‌های زیان بار اشغالگران انگلیسی را فراهم ساخت. همگام با شروع جنبش‌های سیاسی، نقش پیشگام فارس در جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت و رویارویی با اشغالگران انگلیسی در خلال جنگ جهانی اول، جلوه‌هایی روشن از نقش فارس در مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است. در این میان وقوع جنگ جهانی اول، ایالت فارس را صحنه‌ی اشغال و حضور قدرت‌های خارجی کرد که در نتیجه‌ی آن مشکلات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در این ایالت افزایش یافت.

به طور معمول حکمرانان فارس از میان شاخص‌ترین شاهزادگان قاجاری برگزیده می‌شدند. آنان غالباً بدون توجه به خواست و مطالبات عمومی صرفاً در پی تأمین منافع شخصی و براساس روابطی ظالمانه و مستبدانه بر مردم حکمرانی می‌کردند. در این میان استانداری دکتر مصدق در خطرترین شرایط سیاسی و اجتماعی فارس، از جنبه‌های مختلف دوره‌ای متمایز

و استثنایی به شمار می‌رود. موضوعی که تاکنون به طور جدی و عمیق به آن پرداخته نشده است.

کیفیت انتخاب و انتصاب دکتر مصدق در فارس قابل قیاس با هیچ یک از حکمرانان فارس در عهد قاجار نیست. همچنین شیوه‌ی عملکرد ایشان در اصلاح نظام اداری ایالت و بنیان الگوهای نوین اداری در مناسبات حکومت با مردم مبتنی بر اصول مشروطه و نظام قانون قابل توجه و تأمل است. هر چند در کوتاه مدت این اقدامات به بار نشست اما موانع متعددی موجب بن بست و توقف این حرکت اصلاحی گردید. وقوع کودتای ۱۲۹۹ ش. بیش از هر جای دیگر در ایالت فارس بازتاب و تأثیر داشت. نحوه‌ی برخورد دکتر مصدق و نیروهای سیاسی با این رویداد، مسیر تحولات بعدی فارس را تحت تأثیر قرارداد. پرسش اصلی در پژوهش حاضر، بررسی کارنامه‌ی عملکرد دکتر مصدق در فارس و علل ناکامی و توقف آن می‌باشد. خوشبختانه طی یک دهه‌ی اخیر با انتشار اسناد، خاطرات و آثار متعدد در این زمینه راه برای بررسی ابعاد این تحولات گشوده شده است.

### اوضاع فارس در آستانه‌ی حکمرانی دکتر مصدق

در شرایطی دکتر مصدق به حکمرانی فارس منصوب شد که مردم فارس دوره‌ی نسبتاً طولانی و پرفراز و نشیب حکمرانی عبدالحسین میرزا فرمانفرما را تجربه کرده بودند. فرمانفرما هنگامی نامزد حکومت فارس شد که جنگ جهانی اول به مرحله‌ی اوج خود رسیده بود. ضعف دولت مرکزی، حضور نیروهای پلیس جنوب و تداوم رقابت و درگیری میان دو اتحادیه ایلی قشقایی و ایلی خمسه<sup>۲</sup>، این ایالت را با چالش و بحران‌های فراوانی روبرو ساخت. بروز قحطی، کمبود

<sup>۱</sup> عبدالحسین میرزا فرمانفرما، طی سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ قمری در فارس حکمرانی کرد.

<sup>۲</sup> ایلی خمسه مرکب از پنج ایلی عرب، اینالو، بهارلو، نفر و باصری که از ابتدای شکل‌گیری به عنوان بازوی نظامی خاندان قوام‌الملک و تحت رهبری آنان در نیمه شرقی ایالت فارس استقرار داشتند.

آذوقه، تلفات گسترده‌ی ناشی از شیوع بیماری، گسترش ناامنی و رکود اقتصادی از پیامدهای خسارت بار جنگ جهانی اول بر جامعه‌ی فارس بود.

در چنین شرایطی فرمانفرما با همکاری نیروهای پلیس جنوب، قدرت‌های مخالف محلی را سرکوب و ضمن تثبیت قدرت خود در جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های پلیس جنوب همکاری کرد. به طور نمونه در راستای خواست و سیاست نیروهای انگلیسی (پلیس جنوب) صولت‌الدوله را از مقام ایلخانی قشقایی برکنار و برادر ناتوانش سردار احتشام را به جای او منصوب کرد (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۰-۷۰۹). هماهنگی و همکاری فرمانفرما در راستای تأمین منافع منطقه‌ای انگلیس موجب تحسین سرپرسی سایکس از وی شد. «خدمتی که فرمانفرما در هجده ماه گذشته در حق بریتانیا انجام داده بود از عهده هیچ والی ایرانی دیگری ساخته نبود» (میرزایی، ۱۳۸۱: ۲۷۷)

حضور پنج ساله فرمانفرما در مقام حکمرانی فارس تا نیمه سال ۱۲۹۹ ش. / محرم ۱۳۳۹ ق. ادامه یافت. فرمانفرما به دلیل نزدیکی و همکاری با عوامل انگلیسی اعتبار خود را در چشم عموم از دست داد و با برکناری وثوق‌الدوله و انتصاب مشیرالدوله به جای او موقعیتش به شدت تضعیف شد. انتقادات و اعتراضات علیه فرمانفرما روز به روز افزایش یافت و در محافل عمومی شیراز به طور آشکار مورد نکوهش و دشنام قرار گرفت. از سوی دیگر رفتار سیاسی و عملکرد فرمانفرما در این زمان با سیاست موازنه‌ی منفی مشیرالدوله در تضاد بود. سرانجام با گسترش نارضایتی و به دنبال ارسال شکایات مردمی از حکمرانی فارس بر کنار شد (مستوفی، ۱۳۲۴: ۲۵۴) و اداره ایالت به طور موقت به ابراهیم خان قوام‌الملک و نصیرالملک واگذار شد. درحالی که فرمانفرما برکنار و در حال خروج از شیراز بود دکتر مصدق به شیراز وارد و شرایط مناسب برای انتخاب وی به حکومت فارس فراهم شد.

### انتصاب دکتر مصدق به حکمرانی فارس

پس از انتخاب میرزا حسن خان مشیرالدوله به نخست وزیری دکتر مصدق که در آن زمان در سوئیس به سر می برد به عنوان وزیر عدلیه انتخاب شد. مصدق هنوز سی سالش نشده بود که تحصیلاتش را در سوئیس با درجه دکترای حقوق به پایان رساند و در راه بازگشت از مسیر بوشهر به شیراز رسید و در این شهر توقف کرد. وی در نخستین روزهای حضور در شیراز مورد توجه عموم قرار گرفت (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷: ۱۹۴). همزمان با خروج فرمانفرما برخی از بزرگان در اقدامی بی سابقه با ارسال تلگراف‌های متعدد، مصرانه از نخست وزیر تقاضا کردند که دکتر مصدق را به حکمرانی فارس تعیین نماید. آنان عقیده داشتند که انتخاب و اعزام حکمران جدید از سوی دولت به مرکز ایالت حداقل دو ماه طول می کشد. با توجه به حضور دکتر مصدق در شیراز فرصت از دست نمی رود و ایشان بلافاصله اداره امور را به دست می گیرد (فرهمند، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

از سوی برخی بزرگان فارس، معین الشریعه ذوالقدر - نماینده سابق فسا در مجلس - مأمور شد تا با نخست وزیر ملاقات و انتصاب مصدق را به استانداری فارس درخواست کند. مشیرالدوله در ابتدا با حکمرانی وی موافق نبود. زیرا عقیده داشت که «حکومت غیر از وزارت کردن است و حکومت پس از فرمانفرما مشکل است». سرانجام پیگیری و پافشاری بزرگان فارس نتیجه داد و مشیرالدوله به این شرط که قوام‌الملک شخصاً امنیت فارس را تضمین کند با این درخواست موافقت کرد (استخر، ۱۳۸۸: ۳-۱۹۲).

سرانجام مشیرالدوله طی تلگراف ۱۴ مهرماه ۱۲۹۹ نظر مساعد خود را اعلام کرد.

«اگر وجود جناب مستطاب عالی در مرکز برای وزارت عدلیه خیلی

لازم است و منتظر بودم که به زودی وارد شوید ولی چون اهمیت امور

ایالت فارس بیشتر است به حسب امر اعلی حضرت اقدس همایونی و

تصویب هیأت دولت جناب‌عالی والی فارس انتخاب و معین شدید.

مشیرالدوله» (استخر، ۱۳۷۰: ۵-۱۴۲).

دکتر مصدق دو عامل اساسی را در انتصابش به حکومت فارس مؤثر می‌داند. اولاً با توجه به نارضایتی گسترده مردم از عملکرد حکام قبلی به ویژه فرمانفرما انتظار داشتند که فردی به حکومت برسد که از رویه‌ی آنان پیروی نکند و ثانیاً با توجه به گسترش افکار کمونیستی ناشی از پیروزی انقلاب روسیه، سیاست خارجی اقتضا می‌کرد که حکومت به مطالبات و خواست عمومی توجه کند (مصدق، ۱۳۵۸: ۲-۱۲۱).

پس از آن بلافاصله دکتر مصدق در جمع بزرگان فارس، شرط پذیرش حکمرانی فارس را هماهنگی آنان با وی و پایبندی به مشی حکومتی و برنامه‌های خویش از جمله قانون‌گرایی و پاک دستی اعلام کرد. وی تأکید می‌کند که انگیزه‌اش از پذیرش مسئولیت، تأمین رفاه عمومی و برقراری ثبات و امنیت می‌باشد (افراسیابی، ۱۳۶۰: ۳-۵۲).

سرانجام با تضمین و تعهد بزرگان فارس، وی موافقت خود را با پذیرش مسئولیت استانداری اعلام کرد. به این ترتیب نخستین تجربه‌ی مدیریتی دکتر مصدق در فارس آغاز شد (مصدق، ۱۳۵۸: ۲).

#### اقدامات و اصلاحات دکتر مصدق در فارس

دکتر مصدق طی دوره شش ماهه از نیمه مهرماه ۱۲۹۹ش. تا سوم فروردین ۱۳۰۰ش. در شرایطی بحرانی و پرتنش استانداری فارس را برعهده داشت. انتخاب وی با اصرار و پافشاری مردم و بزرگان ایالت، مشروعیت و اعتبار او را در جایگاه جدید افزود و با برخورداری از حمایت و پشتیبانی عمومی به اجرای اصلاحات بدیع و تازه‌ای دست زد که تا پیش از آن هرگز سابقه نداشت. دکتر مصدق در مناسبات میان کارگزاران حکومتی و نیروهای سیاسی و اجتماعی ایالت طرحی نو در انداخت. چنین به نظر می‌آید که وی در چارچوب برنامه‌ای مشخص

درصدد بازگشت نظم و قانون به ساختار اداری فارس بود. بنابراین می‌توان ایشان را تنها حکمران برنامه محور و قانون گرای فارس در دوران قاجار معرفی کرد.

دکتر مصدق در نخستین قدم اصلاحی بلافاصله پس از قبول مسئولیت، ضمن آن که وجه پیشنهادی برخی بزرگان را به عنوان پیشکش نپذیرفت قاطعانه آنان را ملزم کرد که بدون ضابطه از مردم پولی دریافت نکنند. وی رسماً اعلام کرد که مبلغ شش هزار تومان بودجه ایالتی زیاد است و مبلغ دو هزار تومان کافی است و پس از آن وی، دو سوم از حقوق ماهانه خود را به خزانة بازگرداند (مصدق، ۱۳۵۸: ۶۱ و ۶۲). بر این اساس مبارزه عملی با فساد رایج در میان کارگزاران ایالتی و توجه به انضباط مالی در جهت تقویت خزانة ملی از نخستین جهت‌گیری‌های دکتر مصدق در سامان دهی و اصلاح امور فارس بود.

دکتر مصدق در سمت جدید و پرمسئولیتش با مشکلات زیادی روبرو بود. که از همه حادثر مشکل ناامنی بود. از سوی دیگر به دلیل خالی بودن خزانة امکان ایجاد سیستم امنیتی وجود نداشت و دولت از قبول هر پیشنهادی در این مورد طفره می‌رفت (افراسیابی، ۱۳۶۰: ۵۲ و ۵۳). وی در نخستین روزهای استانداری دریافت که بنیادی‌ترین اقدام در جهت اصلاح امور فارس تلاش در جهت برقراری نظم و امنیت است. وی می‌دانست که همواره یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی فارس رقابت و کشمکش پایان ناپذیر میان رهبران دو اتحادیه قدرتمند ایلی فارس - قشقایی و خمسه - است. در اولین قدم بدون هیچ چشمداشت در جمع بزرگان شیراز و با حضور قوام‌الملک و صولت‌الدوله در باغ دلگشا میان آن دو صلح و آشتی برقرار کرد. توفیق مصدق در حل اختلاف میان دو رقیب دیرینه بزرگترین خدمتی بود که در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی در فارس برداشت و بزودی این اقدام تأثیر خود را در برقراری ثبات و امنیت نشان داد.

بلافاصله پس از آن دکتر مصدق با تدارک دیدار میان صولت‌الدوله و کنسول انگلیس در شیراز با میانجیگری سردار ارفع به اختلاف طولانی میان آن دو پایان داد و زمینه‌ی مساعد را

برای انتصاب صولت الدوله به ایلخانی قشقایی فراهم کرد (ارفع، ۱۳۴۵: ۵۳). مقاومت و رویارویی اسماعیل خان صولت الدوله ایلخان قشقایی با نیروهای پلیس جنوب SPR<sup>۱</sup> در جریان جنگ جهانی اول سبب شد که عوامل انگلیس در فارس، فرمانفرما را مجبور به برکناری وی از مقام ایلخانی نمایند. در نتیجه پافشاری سرپرستی سایکس - فرمانده پلیس جنوب - فرمانفرما به بهانه‌ی قطع خطوط تلگراف به وسیله‌ی تفنگچیان قشقایی با یورش سنگین به پایگاه صولت الدوله در فیروزآباد، نیروهای قشقایی را شکست داد. ابتدا صولت الدوله را از مقام ایلخانی برکنار و سپس برادرش سردار احتشام که از قابلیت و شایستگی لازم برای رهبری ایل قشقایی نداشت به ریاست ایل منصوب کرد. به زودی ضعف و ناتوانی سردار احتشام در کنترل نظم و امنیت ایل قشقایی آشکار شد. از سوی دیگر برکناری صولت الدوله موجب افزایش محبوبیت او در میان سران ایل قشقایی و جریان‌های آزادی خواه فارس و تنفر شدید از سردار احتشام شد.

با انتخاب دکتر مصدق به استانداری فارس فرصت مناسبی برای صولت الدوله فراهم شد تا قدرت از دست رفته خود را دوباره بازیابد. دکتر مصدق با هدف تقویت امنیت و حفظ مصالح کشور، صولت الدوله را به ریاست ایل قشقایی منصوب کرد (قشقایی، ۱۳۸۶: ۱۱)؛ سند شماره ۵۰۱۰۰ تا ۵۰۰۹۴-ن مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نقل از مجله تاریخ معاصر ایران، ش ۴۳، ۱۹۴۶). بزودی با انتخاب صولت الدوله به ریاست ایل قشقایی نظم و آرامش به این ایل بازگشت و به طور طبیعی به افزایش ثبات و امنیت در ایالت منجر شد. از آن پس رابطه‌ی دوستی عمیق و همکاری پایدار میان خوانین قشقایی با دکتر مصدق آغاز شد و تا سه دهه بعد به ویژه در جریان جنبش ملی نفت ادامه یافت (ترکمان، ۱۳۷۷: ۲۹).

<sup>1</sup> . The south Paresian Rifles (S.P.R)



غضنفرالسلطنه<sup>۱</sup> که در طول جنگ جهانی اول با قوای انگلیسی درگیر بود. پس از شکست به شیراز گریخت و در گوشه‌ی انزوا و شرایط سخت زندگی می‌کرد و به دستور فرمانفرما تحت نظر عوامل دولتی بود. پس از انتخاب دکتر مصدق به حکمرانی فارس وی مجدداً به عنوان ضابط برازجان منصوب شد. مصدق در ملاقات حضوری با کنسول انگلیس در شیراز سعی کرد جلوی دخالت‌های آنان را در تنگستان گرفته و خود متعهد به برقراری امنیت در این منطقه شود. پس از آن نور محمد خان دالکی را به عنوان ضابط دالکی معرفی کرد (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۱۰). با انتصابات جدید بلافاصله سفارت انگلیس در اقدامی مداخله آمیز واکنش نشان داد و طی هشدارهایی به وزارت خارجه، انتصاب آن دو را به مصلحت دولت انگلیس ندانست.

ایالت فارس همواره به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، دسترسی به بنادر خلیج فارس، عبور راه‌های مهم تجاری و خطوط تلگراف از اهمیت شایانی برخوردار است. بنابراین تلاش برای حفظ امنیت در این راه‌ها از دغدغه‌های همیشگی حکام ایالتی و عوامل انگلیس در جنوب بود. انگلیسی‌ها در طول جنگ جهانی اول و پس از آن در راستای حفظ منافع سیاسی و تجاری خود سعی در حفظ نظم و امنیت راه‌های ارتباطی به ویژه جاده بوشهر به شیراز و شیراز به اصفهان داشتند که معمولاً در فاصله‌ی تغییر حکام ایالتی و حضور حکمران جدید دچار ناامنی می‌شد.

هنوز دکتر مصدق در شیراز مستقر نشده بود که حادثه‌ی حمله‌ی راهزنان قشقایی به کاروان ارفع‌الدوله نماینده اعزامی ایران در جامعه ملل در جاده آباده به ده بید بازتاب گسترده‌ای به دنبال داشت. در نتیجه این حمله یکی از همراهان پرنس ارفع به قتل رسید و کلیه اموال آنان به سرقت رفت. حمله‌ی مسلحانه به پرنس ارفع و همراهانش دکتر مصدق را به شدت تحت

<sup>۱</sup> غضنفرالسلطنه: محمد خان برازجانی ملقب به غضنفرالسلطنه از خوانین دشتستان که در زمان جنگ جهانی اول حاکم برازجان بود.

تأثیر قرار داد. بلافاصله پس از این حادثه، پرنس ارفع خود را به شیراز رساند و مدت چهل روز در شیراز ماند (ارفع، ۱۳۴۵: ۵۲۱ و ۵۲۴؛ روزنامه استخر، ۱۳۳۹: ش ۳/۲۷). شرح ماجرا به همراه تصاویر مرتبط توسط پرنس رضا ارفع در کتاب *ایران دیروز شرایط سیاسی و اجتماعی ایالت فارس* را در آغاز استانداری دکتر مصدق به خوبی ترسیم می‌کند.

با تأکید دکتر مصدق و پیگیری تفنگچیان قوام‌الملک به سرعت عوامل حادثه دستگیر و تمام اموال بازگردانده شد. اقدام به موقع در دستگیری عوامل حادثه تأثیر زیادی در برقراری امنیت و تثبیت قدرت دکتر مصدق داشت. پس از آن ایشان با اجرای یک سلسله اقدامات راه‌ها و نقاط فارس را امن و منظم کرد. مصدق در بیان علت موفقیت خود در برقراری امنیت می‌نویسد: «در فارس اگر از من کاری پیشرفت نمود از این جهت بود که قوای انتظامی زیرنظر شخص خود من اداره می‌شد» (مصدق، ۱۳۵۸: ۱۴۳).

اسناد و تلگراف‌های موجود تلاش پیگیر و قاطعانه دکتر مصدق در جهت تقویت نیروهای امنیتی مستقر در راه‌های اصلی و قراسوران جاده آباده به شیراز را نشان می‌دهد. درخواست ارسال تفنگ و فشنگ و درخواست پرداخت حقوق معوقه تفنگچی‌های محلی راه شیراز- اصفهان و شیراز - بوشهر توجه و حساسیت دکتر مصدق در برقراری امنیت راه‌ها را نشان می‌دهد (اسناد شماره ۲۹۰/۴۲۷۵-۲۹۰/۸۴۹۸- مرکز اسناد ملی ایران و اسناد ۵۰۰ و ۵۰۰۷-ن، ۴۹۹ تا ۴۹۸۸۷-ن، ۵-۱۴۵۰-۱۱م؛ فرهمند، ۱۳۸۶: ۹۲-۱۹۰). دکتر مصدق به طور مستقیم و فعال در جریان اخبار و اوضاع امنیتی شهرها بود. تلگراف‌های ارسالی برای حاکم جهرم و نظمیه شیراز دقت نظر وی در خصوص ضرورت مقابله با ناامنی و هرج و مرج‌های محلی را نشان می‌دهد. صدور دستورات قاطع مبنی بر سرکوب عوامل شرارت به سرعت نظم و امنیت را در جاده‌ها و شهرها برقرار کرد (ترکمان، ۱۳۷۷: ۴۸/۲ و ۴۹).

دکتر مصدق همگام با تلاش در جهت برقراری نظم و امنیت، بنای اصلاحات نوینی را در مناسبات اداری و مالی کارگزاران حکومتی با مردم پی ریزی کرد. پایبندی به قانون و مقابله با

فساد اداری و بی‌انضباطی مالی از شاخصه‌های رفتار سیاسی مصدق در استانداری فارس بود که به زودی در محافل مطبوعاتی و افکار عمومی بازتاب داشت. وحید دستگردی در همان زمان در مقاله‌ای با عنوان «موازنه حاکم مشروطه با حاکم استبداد» می‌نویسد: «برای حاکم مشروطه نمی‌توان مصداق و مثلی پیدا کرد مگر آقای مصدق السلطنه حکمران کنونی فارس» (وحید دستگردی، نقل از مجله آینده، ۱۳۸۵، شماره ۱۰-۱۱-۱۲، ص ۸۸۰).

از شاخص‌ترین رویکردهای دکتر مصدق در طول دوره حکمرانی‌اش در فارس، تلاش برای برقراری انضباط مالی و مبارزه با شیوه‌ها و رسوم غلط مانند رشوه، پیشکش و تعارف بود. وی با رشوه‌خواری که امری رایج در مناسبات مردم و عوامل حکومتی بود، به شدت مقابله کرد. به طور نمونه در جریان رفع اختلاف قوام‌الملک با صولت‌الدوله و انتصاب صولت‌الدوله به ایلخانی وی مبلغ ۵۰۰۰ تومان را برای گرفتن حکم پیشکش فرستاد. دکتر مصدق بلافاصله طی نامه‌ای از صولت‌الدوله خواست که این مبلغ را بابت مالیات معوقه ایل به اداره مالیه تحویل و رسید آن را برای وی بیاورد. صولت‌الدوله هر چه پافشاری کرد که وی این مبلغ را به حساب خودشان قبول کنند، نپذیرفت و در پاسخ گفت: «من می‌دانم شما عادت به پیشکش دارید ولی من می‌خواهم این عادت را ترک دهم من از شما نمی‌گیرم و شما هم از مردم نگیرید مالیات خود را به دولت بدهید من از شما راضی و ممنون هستم» (استخر، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

در موارد دیگر دکتر مصدق با شدت و قاطعیت برخورد می‌کرد. به طور نمونه فردی به نام غلامحسین خان معروف به شصت تیر با فرستادن ۱۰۰۰ تومان از دکتر مصدق تقاضا کرد که ریاست قشون را به او واگذارد. بلافاصله دکتر مصدق واکنش نشان داد و از اداره عدلیه خواست او را دستگیر و محاکمه کنند. نکته جالب آن که دستور مصدق به سرعت اجرا شد و متهم پس از محاکمه به زندان محکوم شد (حسنی، ۱۳۹۰: ۶۸).

سه سال پس از حکمرانی مصدق، میرزا حسن دیانت شیرازی، مدیر روزنامه بیان حقیقت در بیان اخلاق و رفتار سیاسی دکتر مصدق می‌نویسد: «در شیراز به مردم فهمانید که حکومت

مشروطه حق رشوه و تعارف و حق مداخلات مامور حقوقی، حق طمع و تعدی به مال ملت، حق تضييع حقوق دولت نخواهد داشت» (دیانت شیرازی، ۱۳۴۳ق: ش ۱ / ۲ و)

التزام عملی دکتر مصدق به قانون و جدیت در مبارزه با فساد اداری به زودی در رفتار کارگزاران حکومتی تأثیر گذاشت و آنان که سال های متمادی به رسوم غلط و اخاذی از مردم عادت کرده بودند ناچار شدند رفتار خود را اصلاح کنند. محمد حسین استخر حکومت وی را در فارس «نوبر و بی مانند» می داند (استخر، ۱۳۸۸: ۲۱۸). ایشان از ابتدا به ضرورت تقویت اداره مالیه تأکید داشت و تمامی کارکنان دولتی را موظف کرد در مقابل حقوقی که از دولت می گیرند کلیه عایدات خود را به خزانه مملکت یعنی به صندوق مالیه واریز کرده و رسید آن را دریافت کنند. وی عقیده داشت که تقویت صندوق مالیه، موجب تقویت نظام اداری ایالت و تأمین منافع عمومی می گردد. دکتر مصدق حتی در روابط شخصی خود با مردم نیز سعی می کرد نمونه ای از پاکدستی باشد. وی در جریان مذاکرات مجلس چهاردهم می گوید:

«من در ظرف چهل روز این راه (بوشهر تا آباده) را امن و منظم کردم و از کسی در هیچ وقت و در مدتی که آن جا بودم یک شاهی نگرفتم. اگر یک کسی می خواست برای من یک کبک بفرستد بنده تعهد داشتم که ده تومان به آورنده دهم که بعداً دیگر نفرستد و من تعهد داشتم که نفرستد و مرا مرهون خویش قرار بدهد» (جان زاده، ۱۳۵۸: ۱۰۹)

در خصوص پاک دستی دکتر مصدق در اداره امور حکومتی نمونه های فراوانی است از جمله این که وی در روزهای پایانی حضورش در شیراز می نویسد: «قوام آمد پیش من گفت: شما واقعاً در این مدت، در شیراز خیلی زحمت کشیدید ما می دیدیم که از خودتان هم خرج می کنید. نباید که از خودتان متضرر شوید و ده هزار تومان چک به من خواست بدهد که قابلی ندارد، جبران ضرر شود. گفتم: بفرمائید چک را داشته باشید من برای مملکت خدمت کرده ام محتاج هم نیستم» (بزرگمهر، ۱۳۷۰: ۳۵)

نکته قابل تأمل آن که در همین شرایط که دکتر مصدق از پیشنهاد قوام‌الملک صرف‌نظر کرد برای تأمین مخارج بازگشت خود ناچار شد از یکی از بزرگان شیراز مبلغی قرض کند و بلافاصله پس از رسیدن به تهران به او بازگرداند (مصدق، ۱۳۸۵: ۱۳۵). قضاوت مؤلف کتاب *دره‌الانوار حسنی* که خود شاهد اوضاع شیراز بود در این زمینه جالب است. «شهادت مصدق نیکو آدمی بود خیلی بی‌طمع، حقوقدان، دیناری از کسی رشوه نگرفت با اینکه چند مورد پول برایش بردند قبول نکرد. منجمله سی هزار تومان به توسط سید شرفه از صولت‌الدوله برایش برد آنچه کرد قبول ننمود» (حسنی، ۱۳۹۰: ۶۷).

دکتر مصدق در راستای اجرا اصلاحات اداری توجه ویژه‌ای به ضرورت نظارت بر عملکرد کارکنان و کارگزاران دولتی در تمامی سطوح داشت. وی در این راستا اوقات هفتگی خود را تقسیم کرد و در هر روز مشخص به بررسی امور یکی از ادارات مالیه، عدلیه، نظمی و بلدی می‌پرداخت و با دقت و حساسیت عملکرد کارکنان آن را مورد بررسی دقیق قرار می‌داد. از سوی دیگر توجه به مسایل اجتماعی و رفاه عمومی از جمله دغدغه‌های دکتر مصدق در دوران استانداری فارس بود. توجه به برقراری نظم و امنیت داخلی شهرها، نظافت شهر، کاهش قیمت گوشت، تهیه نان و ذغال در شیراز در لابلای گزارش مطبوعات و اسناد موجود، بیانگر اهتمام ایشان در تأمین رفاه و توجه به منافع عمومی است (دیانت شیرازی، ۱۳۴۳ق. ش ۱/ ۳-۱).

مقابله با هر نوع رابطه‌گرایی و تبعیض از جمله مشخصات رفتار سیاسی مصدق در حکمرانی فارس بود. وی در قبال معافیت بدون ضابطه یک مکاری وابسته به نایب ایالت به شدت واکنش نشان داد و تهدید به کناره‌گیری و بازگشت به تهران کرد که بلافاصله با تضمین و تعهد برخی بزرگان به همراه نایب ایالت مبنی بر پایبندی به قانون و خودداری از رابطه‌گرایی بحران خاتمه یافت (مصدق، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

توجه به مطالبات و پاسخ به شکایات مردمی از جمله دغدغه‌های دکتر مصدق در دوران حکمرانی بود. به طور نمونه در واکنش به شکایت تاجر کازرونی که توسط حاکم محلی بازداشت شده بود بلافاصله واکنش نشان داد و با ارسال تلگرافی به حاکم کازرون علت حبس وی را جویا شد. وی صریحاً اعلام کرد که «کسی را بدون مجوز قانونی نمی‌توان حبس کرد» (ترکمان، ۱۳۷۷: ۵۰/۲) تأکید بر اجرای امور از مجاری قانونی بارها در احکام و فرامین دکتر مصدق به حکام محلی دیده می‌شود. در حالی که معمولاً کارگزاران ایالتی در گذشته چندان توجهی به رعایت حقوق عمومی و التزام به قانون نداشتند دکتر مصدق سعی داشت که آنان را متعهد به قانون و حفظ حقوق شهروندان نماید که البته این امر نه قبل و نه پس از آن سابقه نداشت.

همزمان با تلاش در جهت برقراری ثبات و امنیت و اصلاح امور اداری و مالی در ایالت، توجه به توسعه‌ی فرهنگی از جنبه‌های دیگر حکمرانی دکتر مصدق در فارس بود. در این زمان روزنامه‌های استخر، گلستان، بهارستان، عصر آزادی و جریده ملت در شیراز منتشر می‌شد. ایشان در دوران کوتاه حکمرانی خود، سعی در تقویت و حمایت از روزنامه نگاران محلی داشت. تماس و ارتباط منظم و هفتگی مدیران جراید با وی موجب شد تا اخبار و رویدادهای مربوط به عملکرد کارگزاران حکومتی نیز در مطبوعات محلی بازتاب گسترده‌ای یابد. با توجه به آن که اداره‌ی مطبوعات محلی معمولاً با هزینه سنگین و مشکلات مالی روبرو بود دکتر مصدق از ابتدا سعی در حمایت مالی از این جراید داشت. محمد حسین استخر از روزنامه‌نگاران پرآوازه این دوره می‌نویسد:

«همان روزهای اول حکومت یک صدتومانی دو قرانی نقره، شب هنگام که شائبه ریا و تظاهر در آن نرود در خانه یکی دو نفر از مدیران جراید با اهمیت و سرو صدا دار به عنوان کمک به مطبوعات ملی می‌فرستد» (استخر، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

دیدار و ارتباط منظم گروه‌های مختلف با دکتر مصدق موجب اعتبار و محبوبیت دکتر مصدق در میان قشرهای مختلف شد.

«سلوک و رفتار و برخوردهای مصدق با افراد و طبقاتی که او را ملاقات می‌کردند یا حاجتی داشتند به اندازه‌ای بی سابقه و آزادانه و به اصطلاح دموکراسی بود که هیچ شباهتی با رفتار حکام سابق نداشت. نه حاجبی، نه دربان‌ی و بروییایی و گرفت و گیری. هیچ از این حرفها نبود. وی به کلی صحنه را عوض کرد. این طرز فکر برای مردمی که حکام فارس را با جاه و جلال دیده بودند آقای مصدق جای وسیعی از محبوبیت در دلها باز کرد. مخصوصاً افراد حزب دموکرات که از روشنفکران و آزادترین افراد بودند از جان و دل دوستدار آقای مصدق شدند» (استخر، ۱۳۳۴: ۱۸۴).

به این ترتیب مصدق نخستین کارگزار حکومتی بود که واقعاً نزد مردم شیراز محبوبیت داشت و بنابراین از جهت میزان برخورداری از نفوذ و محبوبیت عمومی در میان حکمرانان فارس در دوره‌ی قاجار بی نظیر بود.

دکتر مصدق در راستای برنامه‌ی توسعه فرهنگی مصمم بود که مدارس جدید را در مناطق مختلف ایالت گسترش دهد اما کمبود منابع مالی وی را از این امر مهم بازداشت. دکتر مصدق در تلگرافی به مشیرالدوله - نخست وزیر - در این زمینه می‌نویسد: «معارف فارس به واسطه نداشتن عایدات کافی به هیچ وجه تعالی و ارتقاء پیدا ننموده و اکثراً از قصابات و حکومت‌های جزء با داشتن ده بیست هزار نفر از داشتن یک مدرسه ابتدایی هم محروم‌اند که افتتاح این مدارس و سایر امور معارف، بدون تحصیل عایدات مهمی که نقطه نظر بنده است امکان ناپذیر است» (سند شماره ۶۴۰۱ تا ۶۵۳۹۸-ق، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر نقل از مجله تاریخ معاصر ایران، ۴۳ / ۲۱۱).

### مشی دکتر مصدق در روابط با نیروهای انگلیسی

تفنگداران پلیس جنوب از جمله بازیگران تأثیرگذار خارجی بودند که در سایه حمایت کنسولگری انگلیس در شیراز در بخش‌های جنوبی استقرار داشتند. عوامل انگلیس در فارس همواره انتظار داشتند که حکمرانان فارس در جهت اهداف و منافع آنان قدم بردارند. برقراری نظم و امنیت در راه‌های ارتباطی، تضمین امنیت کاروان‌های تجاری و حفظ امنیت خطوط تلگراف مهم‌ترین خواست‌های آنان بود.

فرمانفرما که پیش از دکتر مصدق حکمران فارس بود سعی داشت که روابط مستحکم و دوجانبه خود را با عوامل انگلیس حفظ و خواست و منافع آنان را تأمین کند. به همین سبب وی بارها مورد حمایت و تحسین آنان قرار گرفت.

هنگامی که دکتر مصدق با خواست و اصرار گروه‌های مختلف به حکمرانی فارس منصوب شد. مستر نورمن سفیر انگلیس در تهران در دخالتی آشکار طی تلگرافی به لردکرزن وزیر خارجه بریتانیا اظهار می‌کند که من به شرطی با انتصاب دکتر مصدق موافقت کردم «که اگر او برای این کار مناسب تشخیص داده نشود از کار برکنار شود» (مهدوی‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۳). برقراری امنیت در جاده‌های تجاری به ویژه راه شاهی (راه بوشهر به شیرا) و تضمین امنیت کاروان‌های تجاری از مهم‌ترین خواسته‌های انگلیسی‌ها در جنوب بود. دکتر مصدق که در مدت کوتاهی موفق به برقراری امنیت در سراسر جاده‌های فارس شد از سوی کنسول و عوامل انگلیس در شیراز مورد تشویق و حمایت قرار گرفت. با انتخاب فتح‌اله اکبر سپهدار به نخست وزیری به جای مشیرالدوله در آذر ماه ۱۲۹۹ ش، نورمن وزیر مختار انگلیس ضمن رضایت بخش دانستن حکومت دکتر مصدق خواستار ابقاء وی در مقام حکمرانی فارس گردید.

دکتر مصدق در طول دوره شش ماه حکمرانی با کنسول انگلیس و کلنل فریزر رئیس پلیس جنوب ارتباط داشت. مشی ایشان در ارتباط با مقامات انگلیس رعایت تعادل و پرهیز از تقابل و تنش با آنان بود. محمدحسین استخر در این زمینه به نقل از وی می‌نویسد: «انتظار من این است



که آقایان همان رویه تعادل را از دست ندهند که سر و صدای حضرات بلند نشود» (استخر، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

دکتر مصدق از ابتدا مناسبات خود را با مأموران انگلیسی در چارچوب قانون قرار داد و در حد ضرورت و مجاز با آنان گفتگو می‌کرد. وی مخالف هر گونه دخالت آنان در امور داخلی ایالت بود. دکتر مصدق در دیدار با کنسول انگلیس در شیراز قاطعانه اعلام می‌کند: «در اموری که مربوط به ایالت است شما نمی‌بایست دخالت کنید اما از ناامنی راه به من شکایت کنید تا به وظیفه خود عمل کنم اکنون که می‌خواهید برخلاف رویه عمل کنید بگذارید من از خاک فارس بروم» (مصدق، ۱۳۸۵: ۱۲۴ و ۱۲۵). با تغییر کنسول انگلیس در شیراز و انتصاب سرهنگ مید چون وی ایرلندی بود و در آن شرایط ایرلند در تلاش برای کسب استقلال از بریتانیا بود مصدق با وی رابطه‌ای نزدیک برقرار کرد.

مقامات پلیس جنوب از ابتدا سعی داشتند که حضور خود را در جنوب مشروعیت بخشیده و از سوی حکام ایالتی به رسمیت شناخته شوند. دکتر مصدق در ارتباط با نیروی پلیس جنوب سعی کرد که ضمن جلوگیری از دخالت‌ها و تعدیات آنان، نیروی پلیس جنوب را به رسمیت نشناسد و ضمن پرهیز از مکاتبه رسمی با آنان مقامات پلیس جنوب را در مراسم سلام رسمی دعوت نکرد (همان: ۳۴). کمی بعد برای آن که به کارشان رسمیت ندهد رسماً برگزاری مراسم سلام رسمی را متوقف کرد. وی طی تلگرافی به دولت در خصوص نحوه برخورد با آنان کسب تکلیف کرد. «اداره پلیس جنوب که از قرار مذکور سه هزار نفر است کتبا و شفهاها به ایالت رجوعاتی داشته و دارند و در مواقع رسمی و اعیاد هم حاضر می‌شوند. مستدعی است تکلیف معین فرمائید که روابط با آنها از چه قرار باید باشد» (کی استوان، ۱۳۲۷: ۲۸/۱).

با توجه به آن که کابینه مشیرالدوله به این تلگراف پاسخ نداد بر اساس آن دکتر مصدق در به رسمیت نشناختن پلیس جنوب مصمم‌تر شد. البته در شرایط پس از کودتای ۱۲۹۹ ش. به توصیه برخی از رجال و علما از جمله آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی و نصیرالملک بنا به

مصالح و ملاحظاتی، مقامات پلیس جنوب را در مراسم رسمی سال نو (نوروز ۱۳۰۰ ش.) پذیرفت.

### مهم ترین عامل بن بست و ناکامی استانداری دکتر مصدق در فارس

دوره کوتاه حکمرانی دکتر مصدق در فارس شاخص و نمونه‌ای از یک حکومت مسئول بود که خود را پایبند به خدمت به مردم و تأمین منافع آنان می‌کرد. اقدامات و رفتار سیاسی دکتر مصدق در جهت برقراری امنیت، پایبندی به قانون، حفظ حقوق شهروندان و توجه به حفظ منافع عمومی و از سوی دیگر مبارزه با فساد اداری و رسوم رایج در میان کارگزاران دولتی به زودی نتیجه داد و موجب برقراری نظم و امنیت بی‌سابقه و رضایت عمومی گردید. اما اصلاحات وی پایدار نبود و وقوع کودتای ۱۲۹۹ ش. موجب توقف و بن‌بست این حرکت اصلاحی شد.

باگذشت چند روز از وقوع کودتای ۱۲۹۹ ش. در تهران، بیشتر ایالات و شهرها از اوضاع تهران بی‌خبر بودند. اما اخبار مربوط به کودتا در شیراز به دلیل قطع خطوط تلگراف پس از گذشت سه روز توسط کنسول انگلیس منتشر شد. پس از یک هفته رسیدن تلگراف احمد شاه مبنی بر انتصاب سیدضیاءالدین طباطبایی به ریاست وزراء مهر تأییدی بر اخبار مربوط به کودتا بود (سیف‌پورفاطمی، ۱۳۷۸: ۱۷۰). دکتر مصدق بلافاصله پس از اطلاع از کودتا، مخالفت صریح خود را با نخست وزیر سیدضیاءالدین طباطبایی اعلام کرد و حاضر به انتشار تلگراف انتصاب سید ضیاءالدین نشد. او عقیده داشت که انتشار این خبر فارس را در معرض انقلاب و آشوب قرار می‌دهد. به این ترتیب دکتر مصدق با مخالفتش نخستین ضربه را به کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی وارد کرد (مکی، ۱۳۵۸: ۲۵۸/۱؛ افشار، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

سید ضیاءالدین طباطبایی از ابتدا می‌دانست که گروهی از رجال زیر بار ریاست وزرایی او نخواهند رفت. لذا برخی از آنان از جمله قوام‌السلطنه حکمران خراسان که بنای مخالفت با وی

گذاشت را دستگیر و زندانی کرد. با اطلاع از مخالفت دکتر مصدق با ارسال تلگرافی از وی دعوت به همکاری کرد که با بی‌اعتنایی ایشان روبرو شد (کی‌استوان، ۱۳۲۷: ۲۸/۱؛ سیف‌پور فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۷۰). بلافاصله سید ضیاءالدین با احساس خطر از موضع مخالفت دکتر مصدق، قوام‌الملک را به حکومت فارس منصوب و او را مأمور بازداشت وی کرد که البته این اقدام نیز بی‌نتیجه بود. زیرا قوام‌الملک به پاس خدمات گذشته حاضر به دستگیری دکتر مصدق نشد و به او گفت: «سید ضیاءالدین مرا به ایالت فارس منصوب نموده است و ضمناً مأمور دستگیری تو ساخته است. اینک صلاح در آن است که از فارس خارج شوید که هم جانب را رعایت کرده باشم و هم متهم به تمرد از امر صریح رئیس الوزراء نگردم» (مکی، ۱۳۵۸: ۲۶۲/۱).

دکتر مصدق به صراحت اعتقاد داشت که اجرا کودتا و انتخاب سید ضیاءالدین طباطبایی به نخست وزیری صرفاً ناشی از یک طرح و نقشه‌ی انگلیسی است و لذا کابینه وی اعتبار و مشروعیت لازم نداشته و شایسته تبعیت نیست (استخر، ۱۳۴۴: ۱۸۶ و ۱۸۷؛ مصدق، ۱۳۸۵: ۳۴۳ و ۳۴۴). بنابراین سرسختانه بر مواضع خود مبنی بر عدم همکاری با کابینه سید ضیاءالدین پای فشرد. مخالفت آشکار دکتر مصدق با کودتا و کابینه برآمده از آن، اولین نغمه‌ی مخالفت با این کودتا و کابینه بود که بازتاب گسترده‌ای در سطح ملی داشت و از سوی دیگر موجب محبوبیت، شهرت و اعتبار دکتر مصدق در صحنه‌ی سیاسی کشور گردید. سید ضیاءالدین در واکنش نسبت به پافشاری دکتر مصدق بر مواضع خود، با صدور اعلامیه‌ای نصرت‌السلطنه (پسر مظفرالدین شاه) را به حکومت فارس منصوب کرد.

در پی مخالفت قاطع دکتر مصدق بیشتر رجال و اهالی شیراز بر علیه کابینه کودتا موضع گرفتند. مطبوعات محلی فارس به صراحت به انتقاد و مخالفت با کابینه سید ضیاءالدین پرداختند (کی‌استوان، ۱۳۲۷: ۲۹/۱). رهبران حزب دموکرات به همراه علما و مردم در اجتماع گسترده خود در دروازه‌ی باغشاه شیراز و اجتماع گسترده در تلگرافخانه شیراز به مخالفت با کودتاگران و کابینه سید ضیاءالدین پرداخته و ضمن رد آن بر ادامه‌ی استانداری مصدق تأکید و

آشکارا با معرفی نصرت‌السلطنه به حکمرانی فارس مخالفت کردند (حسنی، ۱۳۹۰: ۵۹). در تأیید و همراهی با موضع دکتر مصدق، صولت‌الدوله قشقایی به صراحت با کودتا و کابینه سید ضیاءالدین مخالفت کرد و ارسال پیام عدم رسمیت کابینه سید ضیاءالدین توسط وی بازتاب وسیعی در تهران داشت.

در آغاز هماهنگی و یکپارچگی نیروهای سیاسی فارس در مخالفت با کودتا و کابینه سید ضیاءالدین بیش از سایر مناطق کشور دیده می‌شود. اما در این شرایط قوام‌الملک در یک اقدام فرصت‌طلبانه در حالی که به دور از حوادث شیراز، در حوزه ایلی خود - شرق فارس - به سر می‌برد. با فرستادن پیام تبریک به سید ضیاءالدین با او همراه شد و توانست موقعیت خود را حفظ کند. پیوستن قوام‌الملک به کودتاگران و حمایت از کابینه سید ضیاءالدین به تضعیف موضع و موقعیت دکتر مصدق منجر شد و در صفوف یکپارچه مخالفان کابینه در شیراز تزلزل و اختلاف ایجاد کرد. قوام‌الملک در نامه‌ای به یکی از علمای شیراز موضع خود را اعلام می‌کند. «چشم همراهی با من نداشته باشید و من نوکر دولتتم نمی‌توانم تمرد از دولت کنم و تکلیف شما هم این است که تلگراف تبریکی بگوئید» (حسنی، ۱۳۹۰: ۶۷)

انتشار خبر پیوستن قوام‌الملک به کابینه و بازداشت تعداد زیادی از رجال سیاسی در سراسر کشور موجی از ترس و وحشت را در میان بزرگان فارس به وجود آورد و به ناچار برخی از آنان با پنهان کردن اموال قیمتی خود، در کوه‌های اطراف شیراز پنهان شدند (قشقایی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). سرانجام در شرایط جدید و با تثبیت کابینه‌ی سید ضیاءالدین، دکتر مصدق چاره‌ای جز استعفا از حکومت فارس نداشت. بنابراین وی در ۱۶ اسفند ۱۲۹۹ ش. ضمن ارسال تلگرافی به احمد شاه از استانداری فارس استعفا داد. کناره‌گیری مصدق موجی از خشم و نارضایتی همراه با تأثر عمومی را در شیراز برانگیخت. اما شرایط به عکس خواست و نظر مردم و دکتر مصدق پیش رفت و پس از شانزده روز انتظار، سرانجام استعفای وی مورد پذیرش شاه قرار گرفت. «استعفای شما از ایالت فارس به تصویب جناب رئیس الوزراء قبول

شد، لازم است کفالت امور ایالتی را به قوام‌الملک تفویض نموده فوراً حرکت نمائید» (مکی، ۱۳۵۸: ۲۶۲/۱)

دکتر مصدق منتظر ماند تا قوام‌الملک که اینک در فسا به سر می‌برد به شیراز برسد. با رسیدن قوام‌الملک به شیراز دکتر مصدق در پنجم فروردین ۱۳۰۰ ش. این شهر را ترک کرد. دکتر مصدق پس از توقف کوتاهی در قریه سیدان راهی سیوند شد (روزنامه استخر، ۱۳۳۹: ش ۴/۱؛ همان، ۱۳۳۹: ش ۲/۶) و چون احتمال بازداشت خود را می‌داد بیش از چهل روز در قریه سیوند ماند و از آن جا راهی اصفهان شد. وی در قریه مهیار اصفهان متوجه شد که ژاندارمری اصفهان مأمور توقیف و دستگیری اوست. لذا به سرعت به سوی ایل بختیاری رفت و تا پایان کابینه سید ضیاءالدین در میان ایل بختیاری ماند و پس از برکناری سید ضیاءالدین در کابینه قوام السلطنه به سمت وزارت دارایی منصوب شد (مصدق، ۱۳۸۵: ۷۹ و ۸۰).

با استعفا و خروج دکتر مصدق حرکت اصلاحی و سازنده وی که می‌توانست به عنوان نقطه‌ی عطف و الگویی تمام عیار از حاکمیت نظام مشروطه در فارس باشد دچار توقف گردید و با انتصاب نصرت‌السلطنه به حکمرانی فارس، دوباره موجی از هرج و مرج، ناامنی و کشمکش میان نیروهای رقیب به فارس بازگشت و نظام حاکم گذشته که به فساد و قانون‌شکنی عادت کرده بود دوباره حاکمیت یافت. تنش و درگیری میان دو اتحادیه ایلی که با تدبیر دکتر مصدق مهار شده بود دوباره ناامنی و بی‌ثباتی را در سراسر ایالت گسترش داد. رقابت و اختلاف دیرینه میان صولت‌الدوله با برادرش سردار احتشام بر سر قدرت دوباره سرباز کرد و به افزایش تنش و درگیری‌های خونین دامن زد. ضعف و ناتوانی نصرت‌السلطنه در کنترل اوضاع این شرایط را وخیم‌تر کرد. ناامنی در جاده‌ها و غارت روستاها و شهرها به تشدید رکود منجر شد. گزارش محمدحسین استخر تصویری روشن از اوضاع فارس پس از خروج دکتر مصدق را ترسیم می‌کند.

«روز به روز دامنه هرج و مرج بالا می‌گرفت. راه مال التجاره از بوشهر مسدود شده بود. ایلات و عشایر مردم را غارت می‌کردند، می‌چاپیدند، دزدی و ناامنی تا دم دروازه‌های شیراز کشیده شده بود. فریاد تجار و ملاک بلند شده بود. یکی دوبار در تلگرافخانه ریختند به مرکز شکایت کردند ولی اثری نبخشید» (استخر، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

براین اساس کودتای ۱۲۹۹ ش. همچنان که بر تحولات و صحنه‌ی سیاسی کشور تأثیر عمیق داشت. سرنوشت سیاسی و اجتماعی فارس را تحت تأثیر قرار داد و به بازگشت ناامنی، خشونت و بی‌ثباتی منجر شد. در این میان دوره کوتاه استانداری دکتر مصدق در فارس یک قطعه‌ی منحصر به فرد و تاریخی به شمار می‌آید.

### نتیجه‌گیری

نخستین تجربه‌ی مدیریتی دکتر مصدق در فارس از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت و به تعبیری یک دوره خاص و استثنایی بود. در طول بیش از یک سده از عمر دوره قاجار سابقه نداشت که بیشتر رجال و گروه‌های فارس بر سر انتخاب عالی‌ترین مقام ایالتی با هم اتفاق نظر داشته باشند. انتخاب دکتر مصدق به استانداری فارس به دنبال پیگیری و پافشاری بزرگان فارس شکل گرفت و به همین دلیل حکمرانی وی از ابتدا با استقبال و حمایت عمومی روبرو شد که از این لحاظ منحصر به فرد است.

دکتر مصدق با برخورداری از بیشترین مشروعیت و حمایت عمومی، بر اساس برنامه‌ای مشخص و هدفدار مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی را در جهت بهبود و اصلاح امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایالت اجرا کرد که به زودی نتایج آن آشکار شد. برنامه‌گرایی و قانونمداری، مهم‌ترین شاخصه‌های مدیریت دکتر مصدق در فارس بود. بیشتر توجه دکتر مصدق به عنوان نخستین اولویت، برقراری نظم و امنیت در سراسر ایالت بود. وی بر این باور

بود که برقراری امنیت به عنوان زیرساختی‌ترین نیاز، پیش شرط هر برنامه‌ی اصلاحی دیگر است. به این ترتیب با تکیه بر نیروهای موجود محلی، امنیت بی‌سابقه‌ای را پدید آورد و شرایط را برای گام‌های بعدی فراهم ساخت.

اصلاح روابط و مناسبات اداری با تأکید بر قانون‌گرایی و مقابله با تخلفات و تعدیات مأموران حکومتی از جمله مشخصه‌های رفتار سیاسی دکتر مصدق بود. وی درصدد بود که عادت‌ها و رفتارهای غلط کارکنان حکومتی را در روابط با مردم تغییر دهد. پابندی و توجه به حقوق عمومی و لزوم شفافیت و پاکدستی از سوی کارگزاران ایالتی، حکمرانی دکتر مصدق را به نمونه‌ای از یک حکومت مسئول و مشروطه تبدیل ساخت. بهره‌مندی وی از بیشترین رضایت و محبوبیت عمومی نتیجه و بازخورد اقدامات سازنده وی در ایالت بود که در مورد هیچ یک از حکمرانان گذشته‌ی فارس نظیر نداشت.

راهبرد اساسی دکتر مصدق در اصلاح نظام اداری، مقابله با فساد و تبعیض و بنای الگویی نوین در مناسبات حکومت با مردم، برآیندی از اصول و مبانی مشروطه و نظام قانون بود. نکته‌ی حائز اهمیت این که مجموعه‌ی رفتار و عملکرد دکتر مصدق در منصب استانداری فارس الگوی فکری و سیاسی وی را در راستای نوسازی و اصلاح جامعه ایرانی بر اساس نظام مشروطیت در نخستین تجربه‌ی مدیریتی وی را آشکار می‌سازد.

در حالی که مصدق در رسیدن به اهداف و اجرای برنامه‌های خود تا حدود زیادی موفق بود. اما وقوع کودتای ۱۲۹۹ش. روند حرکت رو به جلو وی را در ساماندهی امور متوقف ساخت. بیشتر گروه‌ها و رجال سیاسی فارس به رهبری دکتر مصدق، تنها بخشی از کشور بودند که در برابر این رویداد به طور قاطع، هماهنگ و آشکار مخالفت کردند و ضمن عدم پذیرش کودتا، مشروعیت کابینه برآمده از آن را زیر سؤال برده و حاضر به همکاری و تأیید آن نشدند. موضع مخالفت سرسختانه دکتر مصدق با کودتا و کابینه‌ی آن موجب شهرت و اعتبار سیاسی

وی در سراسر کشور شد و از آن پس او در تراز یک شخصیت ملی در عرصه‌های سیاسی کشور مطرح و شناخته شد.

در تحلیل و برداشت نهایی باید اشاره داشت که هر چند تأثیر و پیامد وقوع کودتای ۱۲۹۹ و ظهور کابینه برآمده از آن، به عنوان اساسی‌ترین عامل توقف حرکت اصلاحی در ایالت فارس می‌باشد اما نباید از عامل درونی ساختار فاسد، کهنه و استبدادزده نهاد اداری و رقابت و کشمکش بی‌پایان میان نیروهای موجود در ایالت غافل بود که به سادگی حاضر نبودند از منافع سستی خویش گذشته و به حاکمیت و تداوم جریان اصلاحی تن دهند.

### منابع و مأخذ

- ارفع، رضا (۱۳۴۵). *ایران دیروز خاطرات پرنس ارفع*. تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.
- استخر، محمد حسین (۱۳۸۸)، *خاطرات پیر روشن ضمیر، فارس از مشروطه تا پهلوی*، به کوشش مسعود شفیعی سروستانی، شیراز: آوند اندیشه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۴)، «دکتر محمد مصدق استاندار فارس»، *یازدهمین سالنامه دنیا*.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲)، *مصدق و مسائل حقوق و سیاست*، تهران: انتشارات سخن.
- بزرگمهر، جلیل (۱۳۷۰)، *رنجهای سیاسی دکتر محمد مصدق، یادداشتهای جلیل بزرگمهر*، به کوشش عبدالله برهان، بی‌جا: نشر روایت.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۷). *نامه‌های دکتر مصدق*. دو جلد، تهران: نشر هزاران.
- حسنی، رئیس الاطباء میرزا علاء الدین (۱۳۹۰)، *دره الانوار حسنی*، ج دوم، تصحیح علی اکبر صفی‌پور و پرتو پروین، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- دستگردی، وحید (۱۲۹۹)، «موازنه مشروطه با حاکم استبداد»، *ارمغان*، شماره ۶.
- دیانت شیرازی، میرزا حسن (۱۳۴۳ق): «شرح والی گری دکتر مصدق»، *جریده بیان حقیقت*، ۲۷ ربیع الاول، شماره ۱.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). *تاریخ ایران*، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی. ج دوم، تهران: دنیای کتاب.
- سیف‌پور فاطمی، نصراله (۱۳۷۸)، *آئینه عبرت*، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن و شهاب ناقب.
- فراشبندی، علی مراد (۱۳۶۵)، *جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری*، بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.



- فرمانفرمایان، منوچهر و فرمانفرمایان رخسان (۱۳۷۸). *خون و نفت خاطرات یک شاهزاده ایرانی*. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- فرهمند، جلال (۱۳۸۶). «والیگری مصدق فارس»، *مجله تاریخ معاصر ایران*، سال ۱۱، شماره ۴۳.
- قشقایی، محمدحسین (۱۳۸۲)، *یادمانده‌ها خاطراتی از محمدحسین قشقایی*، تهران: نشر و پژوهش فیروزان.
- قشقایی، ملک منصورخان (۱۳۹۲)، *خاطرات ملک منصور قشقایی*، تهران: نشر نام.
- کی‌استوان، حسین (۱۳۷۲)، *سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم*، ج اول، بی‌جا: انتشارات روزنامه مظفر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴)، *شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج دوم، بی‌جا: کتاب فروشی محمد علی علمی.
- مصدق، محمد (۱۳۵۹)، *تقریرات مصدق در زندان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق*، تهران: انتشارات علمی.
- مکی، حسین (۱۳۵۸)، *تاریخ بیست ساله ایران، کودتای ۱۲۹۹*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مهدوی نیا، جعفر (۱۳۷۹)، *زندگی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبایی*، تهران: امیرکبیر.
- میرزایی، غلامرضا (۱۳۸۱)، *قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

#### نشریات:

- روزنامه استخر، دوشنبه ۲ شعبان ۱۳۳۹، حمل ۱۳۰۰، سال چهارم، شماره ۱.
- روزنامه استخر، دوشنبه ۸ رمضان ۱۳۳۹، سال چهارم، شماره ۶.

#### اسناد:

- سند شماره ۶۶۴۰۱ تا ۶۵۳۹۸-ق-۵۰۰۸ و ۵۰۰۷-ن-۴۹۹ تا ۴۹۸۸۷-ن-۵۰-۱۴۵۰-۱۱-۶۵۳۹۴-ن و ۶۵۳۹۷-۶۵۱۰۰ تا ۵۰۰۹۴-ن-۶۲۸۰۲ تا ۶۲۸۰۱-ن-۶۲۸۰۶ تا ۸۲۸۰۵-ن *مجله تاریخ معاصر ایران*، سال ۱۱، پائیز ۱۳۸۶، شماره ۴۳.
- اسناد شماره ۴۲۷۵ / ۲۹۰-۸۴۹۸ / ۲۹۰ مرکز اسناد ملی ایران.